

## نقش هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی در قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیرشخصی سودگرایانه

## نوجوانان با تأکید بر جنسیت

سهراب امیری

دکتری روان‌شناسی، دانشگاه ارومیه

(تاریخ وصول: 96/09/12 - تاریخ پذیرش: 97/04/12)

## The Role of Moral Identity and Moral Recognition in Adolescent's Utilitarian on Personal and Impersonal Moral Judgments With Emphasis on Gender

Sohrab Amiri

PhD of psychology, Urmia University

(Received: Dec. 03, 2017 - Accepted: Jul. 03, 2018)

### Abstract

**Introduction:** This study examined the utilitarianism in personal and impersonal moral judgments based on moral cognition and moral identity according to gender differences. **Method:** For this purpose, 303 adolescents were selected by multistage cluster sampling. Then, to evaluate the objectives and hypotheses, the moral identity, moral cognition scale and personality and impersonal moral stories were distributed in small groups among the participants to respond. Collected data to evaluate the purpose of the study were analyzed using the descriptive, correlational, multiple regression analysis, and independent t-test. **Results:** Results showed that high scores on moral identity was associated with lower utilitarianism on personal moral judgment; however, the relationship between moral identity and impersonal moral judgment was not significant. High moral cognition led to lower utilitarianism in personal and impersonal moral judgments. In addition, a significant positive correlation was found between moral identity and moral cognition. **Conclusion:** It seems cognitive processes involved in personal and impersonal moral judgments might lead to the utilitarian judgments.

**Keywords:** Moral identity, moral cognition, moral judgment, utilitarianism.

### چکیده

**مقدمه:** هدف پژوهش حاضر بررسی سودگرایی در قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیرشخصی بر اساس ابعاد هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی و نیز تفاوت‌های جنسیتی بود. روش: به همین منظور، 303 دانش‌آموز نوجوان بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. سپس به منظور بررسی اهداف و فرضیه‌های پژوهش مقیاس‌های هویت اخلاقی، شناخت اخلاقی و در نهایت داستان‌های اخلاقی شخصیتی و غیرشخصی در قالب گروه‌های کوچک بین شرکت‌کنندگان پژوهش توزیع شد تا پاسخ دهند. داده‌های گردآوری شده به منظور بررسی اهداف پژوهش، با استفاده از شاخص‌های توصیفی، همبستگی، تحلیل رگرسیون چندگانه هم‌زمان و آزمون تی مستقل مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: نتایج بیانگر این بود که نمرات بالاتر در هویت اخلاقی با سودگرایی پایین‌تر در قضاوت اخلاقی شخصی مرتبط است؛ اما رابطه هویت اخلاقی با قضاوت اخلاقی غیرشخصی معنادار نبود. شناخت اخلاقی بالا منجر به سودگرایی پایین‌تر در قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیرشخصی می‌شود. همچنین بین هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی همبستگی مثبت معناداری یافت شد. نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد درگیری فرایندهای شناختی در قضاوت‌های اخلاقی شخصی منجر به قضاوت‌های سودگرایانه می‌شود.

**واژگان کلیدی:** هویت اخلاقی، شناخت اخلاقی، قضاوت اخلاقی، سودگرایی.

Corresponding author: Amirysohrab@yahoo.com

نویسنده مسئول: سهراب امیری

## مقدمه

آسیب به فرد خاصی یا چند نفر وارد می‌شود و 3. تهدید مستقیم نسبت به فرد است. داستان‌هایی که فاقد ملاک‌های مطرح شده برای قضاوت اخلاقی شخصی هستند، قضاوت اخلاقی غیرشخصی نامیده می‌شوند (گرین و همکاران، 2004). علاوه بر این موافقت افراد با داستان‌های دارای محتوای شخصی و غیرشخصی، بیانگر سودگرایی و مخالفت افراد با داستان‌های مذکور بیانگر غیر سودگرایی است (گرین و همکاران، 2004).

گرین برای تبیین نقش فرایندهای هیجانی، نظریه فرایند دوگانه<sup>4</sup> در قضاوت اخلاقی را مطرح کرد که هم اثرات فرایندهای شناختی و هم فرایندهای هیجانی در قضاوت اخلاقی شخصی<sup>5</sup> و غیرشخصی<sup>6</sup> را شامل می‌گردد (گرین و همکاران، 2001، 2004). فرایند اول دربردارنده ارزیابی هشیارانه و منطقی از رویدادهاست که پاسخ‌های سودگرایانه<sup>7</sup> ایجاد می‌کند. عقیده بر این است که فعال شدن این سیستم زمانی است که درگیری شخصی/هیجانی با فرایند تصمیم‌گیری کاهش بیابد. سیستم دوم شامل پاسخ‌های عاطفی است و نتیجه شرایط هیجانی موجود در موقعیت است، در این موارد پاسخ‌ها تمایل به غیرسودگرایانه و غیرمنطقی بودن دارند (یوسف<sup>8</sup> و همکاران،

برای دهه‌های متوالی، روان‌شناسی اخلاق تحت سلطه نظریه‌های رشدی قرار داشت که بر نقش استدلال و شناخت در قضاوت اخلاقی تأکید داشتند، رویکردی نوین‌تر بر نقش فرایندهای شهودی و هیجانی در تصمیم‌گیری و اجتماعی شدن انسان تأکید دارد؛ تغییر دیدگاهی که عمیقاً حیطه روان‌شناسی اخلاق را متأثر ساخته است (امیری، حسنی و عبداللهی، 1394). پژوهش‌های صورت پذیرفته ترکیبی از هر دو این دیدگاه‌ها (شناختی و هیجانی) را ارائه داده است (گرین<sup>1</sup> و همکاران، 2004). آن‌ها استدلال داشته‌اند که برخی قضاوت‌های اخلاقی که شخصی<sup>2</sup> نامیدند، از طریق واکنش‌های هیجانی و اجتماعی مشتق شده‌اند، در حالی سایر قضاوت‌های اخلاقی که غیرشخصی<sup>3</sup> نامیده شده‌اند، کمتر از واکنش‌های هیجانی - اجتماعی تأثیر پذیرفته و بیشتر از طریق فرایندهای شناختی هدایت می‌شوند (در اینجا اصطلاح شناخت به طبقه‌ای از فرایندهای اشاره دارد که متضاد با پردازش عاطفی یا هیجانی هستند). معماها و تصمیم‌های اخلاقی شخصی متناسب با تخلفات اخلاقی شخصی هستند و تخلف اخلاقی در صورتی شخصی نگریسته می‌شود که سه ملاک را داشته باشد: 1. دربردارنده آسیب بدنی جدی به دیگری است؛ 2. این

4. dual process

5. Personal moral judgment

6. impersonal moral judgment

7. Intuitive

8. Youssef

1. Greene

2. personal

3. impersonal

روی تصمیم‌گیری اخلاقی را بررسی و دریافتند که کنترل شناختی بالاتر منجر به سودگرایی می‌شود هر چند که این تفاوت اندک بوده و در آن نقص عوامل هیجانی مورد بررسی قرا نگرفته بود (مور، کلارک و کان،<sup>2</sup> 2008).

نظریه فرایند دوگانه<sup>5</sup> گرین همچنین به وسیله مطالعاتی که در آن القاء هیجان تصمیم‌گیری اخلاقی را تغییر می‌دهد مورد حمایت قرار گرفته است (والدوسلو و دزنو،<sup>3</sup> 2006). پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که کودکان و نوجوانان قادر به تمایز مسائل اخلاقی از قراردادهای اجتماعی و انتخاب‌های شخصی هستند و درک اخلاقی آن‌ها در طول روند رشدی آن‌ها، احتمالاً موازی با توانایی‌های شناختی و شناخت اجتماعی افزایش می‌یابد (لان<sup>4</sup> و همکاران، 2010) بر این اساس تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در ارتباط نزدیک با کارکردهای اجرایی سطح بالا قرار دارند. اگر چه پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در تعیین عوامل مؤثر بر قضاوت اخلاقی انجام شده است (کانوی و کارورنسکی<sup>5</sup>، 2013؛ گلن<sup>6</sup> و همکاران، 2010)، اما توجه بسیار اندکی روی صفات ذاتی آزمودنی‌ها صورت پذیرفته است که ممکن است ارزیابی آن‌ها را از سود و زیان موجود در تصمیم‌های اخلاقی

2012). گرین همکاران (2001، 2004) معتقدند در قضاوت اخلاقی شخصی فرد برای نجات جان افراد دیگر به ارتکاب مستقیم خشونت علیه فرد نزدیک (مانند بچه خود) یا یک غریبه می‌پردازد. به طور مثال در داستانی بیان می‌شود که: سربازان دشمن در حال جستجوی خانه به خانه‌ی روستای شما هستند؛ و همه باقی ماندگان را می‌کشند، شما و برخی از اهالی روستا در زیر زمین خانه‌ای بزرگ پناه گرفته‌اید؛ از بیرون صدای سربازانی را می‌شنوید که در حال جستجوی خانه‌اند. در این زمان بچه شما با صدای بلند شروع به گریه کردن می‌کند، شما برای اینکه صدای او را قطع کنید، جلوی دهان او را می‌گیرید، اگر شما دست‌تان را از جلوی دهان او بردارید صدای بچه سربازان را متوجه شما می‌کند و آن‌ها همه افراد پنهان شده در پناهگاه را می‌کشند، برای اینکه جان خودتان و دیگران را حفظ کنید، باید بچه را خفه کنید.

همسو با این مشخص شده است که آموزش القاء تفکر پیش از داستان‌های اخلاقی منجر به تمایلات سودگرایانه بیشتر می‌شود (پکستون، آنگار و گرین، 2011). منطق نظریه فرایند دوگانه پیشنهاد می‌کند افرادی که کنترل شناختی بالاتری دارند تصمیم‌های سودگرایانه‌تر انجام می‌دهند (مور، استیونز و کانوی<sup>1</sup>، 2011)؛ بر همین اساس پژوهشگران رابطه تفاوت‌های فردی در کنترل شناختی بر

2. Clark & Kane  
3. Valdesolo & DeSteno  
4. Lane  
5. Conway & Gawronski  
6. Glenn

1. Moore, Stevens & Conway

مورد حمایت قرار گرفته است. اما با وجود پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای که در تعیین عوامل مؤثر بر قضاوت اخلاقی صورت گرفته (کانوی و کارورنسکی، 2013؛ گلن و همکاران، 2010؛ ویتلی<sup>7</sup> و هدیت، 2005)، نقش ابعاد شناختی کمتر بررسی گردیده و از سویی دیگر نقش تفاوت‌های جنسیتی چندان مورد توجه قرار نگرفته است هر چند برخی مطالعات وجود تفاوت‌های جنسیتی در داستان‌های بدون محتوای اخلاقی و قضاوت اخلاقی غیرشخصی و غیرشخصی، را بیان داشته‌اند (فیماجلی<sup>8</sup> و همکاران، 2010) اما این مطالعات بسیار ناچیز و اندک‌اند. از این رو حیطة مهمی که در ارتباط با تفاوت‌های فردی در تصمیم‌گیری اخلاقی توجه زیادی را در سال‌های اخیر به خود جذب کرده، سازه‌های شناخت اجتماعی به‌ویژه هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی فراتر از سازه‌های هیجانی است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی در سودگرایی در قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیرشخصی و نیز تفاوت‌های جنسیتی در این باره است.

#### روش

پژوهش حاضر با توجه به نوع متغیرها و شیوه گردآوری داده‌ها به طرح‌های توصیفی از نوع

تحت تأثیر قرار دهد. در واقع، آنچه که بیان شد نشان‌دهنده تفاوت‌های فردی در پردازش شناختی اطلاعات دریافت شده است که می‌تواند سازمان‌دهی هیجانی و شناختی افراد را تحت تأثیر قرار دهد، بر این اساس، متغیرهای مختلفی مؤثر بر تصمیم‌گیری اخلاقی فرض شده‌اند شامل فرهنگ، نگرش‌ها، وضعیت اجتماعی و از جمله متغیرهای مورد توجه قرار گرفته تفاوت‌های فردی است (یی و پارک<sup>1</sup>، 2003). مروری بر نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد مطالعات گوناگون صورت پذیرفته به منظور بررسی عوامل مؤثر بر قضاوت اخلاقی (گلن و همکاران، 2010؛ امیری و همکاران، 1394) به‌ویژه حالات هیجانی تأثیرگذار در قضاوت‌های اخلاقی (والدسلو و دزنتو، 2006؛ امیری و همکاران، 1392) همگی بر این اشاره دارند که هیجان‌ها برای قضاوت‌ها لازم هستند و این تأثیر بر نوع هیجان‌القاء شده نیز مربوط دانسته شده است (کلر و هانستریک<sup>2</sup>، 2007). بنابراین، این فرضیه که دو سیستم شناختی و هیجانی در قضاوت اخلاقی مشارکت دارند (گرین و هدیت<sup>3</sup>، 2002؛ گرین و همکاران، 2001؛ کوئینز<sup>4</sup> و همکاران، 2007؛ مندز، اندرسون و شاپیرا<sup>5</sup>، 2005؛ استریک<sup>6</sup> و همکاران، 2010)

1. Yi & Park
2. Clore & Huntsinger
3. Haidt
4. Koenigs
5. Mendez, Anderson & Shapira
6. Starcke

7. Wheatley  
8. Fumagalli

آسیب به فرد خاصی وارد می‌شود 3. به شیوه‌ای (مستقیم) که ناشی از انحراف تهدید کنونی به سمت گروه دیگر نباشد و معماهای که این ملاک‌ها را نداشته باشند، غیرشخصی تلقی می‌شوند. استفاده مکرر این داستان‌ها توسط فلاسفه، روان‌شناسان و متخصصان

عصب‌شناسی در حیطه مطالعات اخلاق (گرین و همکاران، 2001؛ 2004؛ گرین و هدیت، 2002؛ کوینگزو همکاران، 2007؛ والدسولو و دیاستنو، 2006) بیانگر اعتبار این داستان‌ها در سنجش قضاوت اخلاقی است. این ابزار از نظر روایی بوم‌شناسی و سازه توسط امیری و همکاران (1392، 1394) مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش‌های گوناگون متخصصان با توجه به ماهیت پژوهش از تعداد متفاوتی از این داستان‌ها بهره برده‌اند. در پژوهش حاضر از تعداد 8 داستان اخلاقی شامل 4 داستان اخلاقی شخصی و 4 داستان غیرشخصی استفاده شد. بر اساس نمره‌گذاری معماهای اخلاقی (شخصی و غیرشخصی) از طیف لیکرت 5 درجه‌ای کاملاً موافقم (5) تا کاملاً مخالفم (1) استفاده گردید که در نمرات بالاتر بیانگر سودگرایی بیشتر است؛ بنابراین سودگرایی و غیرسودگرایی وابسته به میزان موافقت و مخالفت با محتوای داستان‌ها است (گرین و همکاران، 2001).

پرسشنامه هویت اخلاقی (MIQ)<sup>1</sup>: این پرسشنامه به منظور سنجش هویت اخلاقی

همبستگی تعلق دارد. به منظور گردآوری داده‌های پژوهش از میان جامعه آماری نوجوانان تعداد 303 نفر با در نظر داشتن ملاک‌های ورودی سلامت جسمی و روانی، رضایت آگاهانه و بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با توجه به جدول کوکران انتخاب شدند. در مرحله بعد به منظور گردآوری داده‌های پژوهش، پژوهش‌گر در بین شرکت‌کنندگان نهایی تحقیق حاضر یافته و پس از توضیح فرایند اجرا مقیاس

تصمیم‌گیری‌های اخلاقی شخصی و غیرشخصی، شناخت اخلاقی و هویت اخلاقی را بین شرکت‌کننده‌ها توزیع نمود تا پاسخ دهند. در حین گردآوری داده‌ها پژوهشگر حضوری فعال داشت تا ضمن پاسخ‌گویی به موارد ابهامی از پاسخ‌دهی تصادفی جلوگیری نماید. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS-22 و آماره‌های توصیفی همچون میانگین و انحراف استاندارد و در نهایت رگرسیون خطی چندگانه هم‌زمان و آزمون تی مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش: قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیرشخصی (PIMJ): در پژوهش حاضر از داستان‌های اخلاقی گرین و همکاران (2001) که به دو دسته شخصی و غیرشخصی تقسیم می‌شوند به منظور ارزیابی قضاوت اخلاقی استفاده شد. داستان‌های اخلاقی شخصی سه ملاک دارند 1. موجب آسیب بدنی جدی می‌شوند 2. این

1. Moral Identity Questionnaire

دست آمده است؛ که نشان‌دهنده ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب این پرسشنامه است (پیزا<sup>4</sup> و لاندی<sup>5</sup>، 2013). دامنه ضرایب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر به ترتیب برای خرده مقیاس صداقت اخلاقی و خود اخلاقی 0/77 و 0/81 به دست آمد. ضرایب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر برابر با 0/73 بود.

#### یافته‌ها

شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر 303 نفر از دانش‌آموزان نوجوانان شهر همدان بودند. از مجموع شرکت‌کنندگان تعداد دانش‌آموزان سال دهم 80 نفر (26/4%)، سال یازدهم 85 نفر (28/1%) و سال دوازدهم 138 نفر (45/5%) بودند. میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان دختر به ترتیب 14/18 و 1/19 بود شرکت‌کنندگان پسر 17/27 و 3/01 بود. تعداد پسران 88 نفر و دختران 213 نفر در این پژوهش بود. در جدول 1 به ترتیب میانگین و انحراف معیار متغیرهای هویت اخلاقی، شناخت اخلاقی و قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیرشخصی درج گردیده است.

طراحی شده و دارای دو خرده مقیاس صداقت اخلاقی و خود اخلاقی است که به ترتیب شامل 12 و 8 ماده و در مجموع 20 ماده است که بر اساس طیف لیکرت 9 درجه-ای از کاملاً موافقم (9) تا کاملاً مخالفم (1) نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه در دو نمونه جمعیتی بزرگ مورد بررسی قرار گرفته است و نشان‌دهنده همسانی درونی، پایایی آزمون - بازآزمون و روایی است، که صداقت اخلاقی و خود اخلاقی را مستقل از جهت-گیری سیاسی یا جنسیت می‌سنجد. ضریب آلفای کل پرسشنامه 0/91 و دو خرده مقیاس صداقت اخلاقی و خود اخلاقی به ترتیب 0/89 و 0/86 به دست آمده است؛ که نشان‌دهنده ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب این پرسشنامه است (بلک<sup>1</sup> و رینولدز<sup>2</sup>، 2016). دامنه ضرایب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر به ترتیب برای خرده مقیاس صداقت اخلاقی و خود اخلاقی 0/77 و 0/81 به دست آمد.

مقیاس شناخت اخلاقی (MFDA)<sup>3</sup>: این پرسشنامه به منظور سنجش شناخت اخلاقی شده و شامل 20 ماده است و برخی ماده‌های آن دارای نمره‌گذاری معکوس است و بر اساس طیف لیکرت 9 درجه‌ای از کاملاً موافقم (9) تا کاملاً مخالفم (1) نمره‌گذاری می‌شوند. ضریب آلفای کل پرسشنامه 0/98 به

4. Piazza  
5. Landy

1. Black  
2. Reynolds  
3. Morality Founded on Divine Authority scale

جدول 1. شاخص‌های توصیفی در متغیرهای پیش‌بین و ملاک در هر دو گروه جنسیتی

متغیر	پسر	دختر	کل
	M (SD)	M (SD)	M (SD)
صداقت اخلاقی	39/1 (11/6)	40/8 (7/2)	40/3 (8/8)
خود اخلاقی	41/4 (5/4)	43/6 (3/6)	42/9 (4/4)
شناخت اخلاقی	75/4 (7/1)	80/6 (7/8)	79/1 (8/1)
قضاوت شخصی	5/1 (1/9)	4/6 (1/6)	4/7 (1/7)
قضاوت غیرشخصی	5/8 (1/6)	(5/3) 1/4	5/5 (1/5)

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش مبنی بر اینکه بین متغیرهای هویت اخلاقی، شناخت اخلاقی و سودگرایی در قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیرشخصی رابطه وجود دارد، به ترتیب از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه هم‌زمان استفاده گردید که نتایج آن در جداول 2 و 3 درج گردیده است.

جدول 2. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	1	2	3	4	5	6
صداقت اخلاقی	1					
خود اخلاقی	-0/08	1				
هویت اخلاقی (کل)	0/89**	0/39**				
شناخت اخلاقی	0/18**	0/43**	0/36**	1		
قضاوت شخصی	-0/16**	0/05	-0/12*	-0/12*	1	
قضاوت غیرشخصی	-0/03	-0/09	-0/07	-0/19**	0/15**	1

\*\*= P<0.01

\*= P<0.05

نتایج جدول 2 نشان‌دهنده وجود روابط معنادار بین هویت اخلاقی، شناخت اخلاقی و قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیرشخصی است. به طوری که رابطه منفی معناداری بین هویت اخلاقی با قضاوت اخلاقی شخصی ( $P<0/05$ ) به دست آمد. یعنی نمرات بالاتر در هویت اخلاقی با نمرات پایین‌تر قضاوت اخلاقی شخصی (یعنی قضاوت‌های با سودگرایی پایین‌تر) مرتبط است. همچنین هویت اخلاقی و مؤلفه‌های آن رابطه منفی با قضاوت اخلاقی غیرشخصی داشتند؛ اما این روابط در سطح معنادار نبود. بررسی روابط

بین شناخت اخلاقی با قضاوت اخلاقی شخصی و غیرشخصی نشان داد که شناخت اخلاقی با قضاوت‌های اخلاقی شخصی ( $P<0/05$ ) و غیرشخصی ( $P<0/01$ ) رابطه منفی دارد، هر چه میزان شناخت اخلاقی بالاتر باشد، منجر به سودگرایی پایین‌تر در قضاوت‌های اخلاقی می‌شود. همچنین بررسی رابطه بین هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی نشان داد که همبستگی مثبت معناداری بین این مؤلفه‌های اخلاقی وجود دارد ( $P<0/01$ ). در ادامه، به منظور آزمون سودگرایی در قضاوت‌های اخلاقی (شخصی و غیرشخصی)

بر اساس ابعاد هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی از مدل رگرسیون هم‌زمان استفاده گردید که نتایج آن در جدول 3 درج گردیده است.

جدول 3. رگرسیون چندگانه هم‌زمان سودگرایی در قضاوت‌های اخلاقی بر اساس هویت و شناخت اخلاقی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	B	SE	Beta	T	P	R	R <sup>2</sup>
قضاوت اخلاقی شخصی	صداقت اخلاقی	-0/03	0/01	-0/12	-2/10	0/036	0/20	0/040
	خوداخلاقی	0/04	0/03	0/09	1/43	0/152		
	شناخت اخلاقی	-0/03	0/01	-0/13	-2/06	0/040		
قضاوت اخلاقی غیرشخصی	صداقت اخلاقی	0/01	0/01	0/01	0/099	0/921	0/19	0/037
	خوداخلاقی	-0/01	0/02	-0/01	-0/178	0/859		
	شناخت اخلاقی	-0/04	0/01	-0/19	-2/89	0/004		

و  $F_{3/299}=3/78$  که در مجموع متغیرهای پیش‌بین هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی با مجذور  $R^2$  تنظیم شده برابر با  $0/037$ ، به طور معناداری متغیر ملاک قضاوت اخلاقی غیرشخصی را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. که البته در این مدل تنها شناخت اخلاقی نقش معناداری در مدل دارند؛ و مؤلفه هویت اخلاقی (صداقت اخلاقی و خود اخلاقی) پیش‌بینی معناداری نمی‌تواند انجام دهد. در ادامه جهت بررسی تفاوت‌های جنسی در متغیرهای از آزمون تی مستقل استفاده گردید. که نتایج آن در جدول 4 درج گردیده است.

نتایج معادله رگرسیون در جدول 3 نشان می‌دهد ( $R^2=0/040$  و  $P<0/01$  و  $F_{3/299}=4/01$ ) که در مجموع متغیرهای پیش‌بین هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی با مجذور  $R^2$  تنظیم شده برابر با  $0/040$ ، به طور معناداری متغیر ملاک قضاوت اخلاقی شخصی را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. که البته در این مدل مؤلفه صداقت اخلاقی (از هویت اخلاقی) و شناخت اخلاقی نقش معناداری در مدل دارند؛ و مؤلفه خود اخلاقی پیش‌بینی معناداری نمی‌تواند انجام دهد. همچنین نتایج جدول نشان می‌دهد ( $R^2=0/037$  و  $P<0/01$ )

جدول 4. نتایج آزمون تی مستقل مقایسه ابعاد اخلاقی در دو جنسیت

متغیر	ارزش آزمون	DF	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری
صداقت اخلاقی	-1/55	301	-1/71	1/10	0/120
خوداخلاقی	-4/01	301	-2/15	0/53	0/000
هویت اخلاقی (کل)	-3/29	301	-3/87	1/17	0/001
شناخت اخلاقی	-5/30	301	-5/11	/96	0/000
قضاوت شخصی	2/22	301	0/48	0/22	0/027
قضاوت شخصی غیرشخصی	2/39	301	0/45	0/19	0/017



نتایج جدول 4 پیرامون مقایسه دو جنسیت در هویت اخلاقی، شناخت اخلاقی و قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیرشخصی نشان داد که بین دو گروه جنسیتی در این ابعاد (به جز مؤلفه صداقت اخلاقی) تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که دختران در مقایسه با پسران از نظر هویت اخلاقی و شناخت اخلاقی بالاتر قرار داشتند. همچنین بررسی تفاوت‌های جنسیتی در سودگرایی در قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیرشخصی نشان داد که دختران در قضاوت‌های اخلاقی شخصی نمرات بالاتری (سودگرایی بیشتر) داشتند و پسران در قضاوت‌های غیرشخصی نمرات بالاتری (سودگرایی بیشتر) داشتند.

#### نتیجه‌گیری و بحث

با در نظر داشتن اینکه بیان شده است تصمیم‌گیری مؤثر برای هر فرد در غلبه بر مسائل نقشی حیاتی دارد؛ و در مجموع با توجه به اینکه پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ابعاد شناخت اجتماعی می‌تواند سودگرایی و غیرسودگرایی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی را متأثر سازند، اما حیطه مهمی در ارتباط با تصمیم‌گیری‌های اخلاقی ابعاد شناخت اجتماعی است. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی سودگرایی و غیرسودگرایی در تصمیم‌گیری اخلاقی شخصی و غیرشخصی با توجه به ابعاد شناخت اخلاقی و هویت اجتماعی و نیز نقش تفاوت‌های جنسیتی در این مورد بود.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در هویت و شناختی اخلاقی می‌تواند منجر به سودگرایی در قضاوت اخلاقی شخصی شود. نظریه فرایند دوگانه

گرین (گرین و همکاران، 2004) بیان می‌کند دو سیستم عصبی رقابتی برای قضاوت‌های اخلاقی مسئول‌اند، به این صورت که در نظریه فرایند دوگانه سیستم اول شامل پاسخ‌های شناختی است، در این موارد پاسخ‌ها تمایل به سودگرایانه بودن دارند، همچنین مطالعات تصویری مغز (گرین و همکاران، 2001، 2004) نشان داده‌اند که قشر پیش‌پیشانی میانی پایه عصبی ضروری قضاوت درباره معماهای اخلاقی شخصی را تشکیل می‌دهد، جایی که درگیر انتخاب‌هایی است که مستقیماً آسیب‌های جدی به دیگران وارد می‌کند. گرین و همکاران (2001) نشان دادند که آسیب‌دیدگان قشر پیش‌پیشانی میانی - جانبی (VMPFC) نسبت به افراد سالم و بیماران دچار ضایعات مغزی - عصبی، با آسیب مغزی در دیگر بخش‌های قشر، بیشتر برای تأیید تخلفات اخلاقی شخصی، به عبارت دیگر حداکثر پیامدهای خوب (به معنی پاسخ‌های سودگرایانه) مستعدند. بنابراین نتیجه آسیب به نواحی هیجانی مغز سودگرایی در قضاوت اخلاقی شخصی می‌شود.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که هویت اخلاقی و شناختی موجب سودگرایی بالاتر در قضاوت اخلاقی غیرشخصی می‌گردند. شاید بتوان یافته حاضر را به این صورت تبیین کرد که محتوای قضاوت اخلاقی غیرشخصی بر اساس فرایند دوگانه گرین (2001، 2004) فقط شناخت را درگیر می‌کند، و هیجان بر این سیستم تأثیری ندارد، اگر این تبیین را بپذیریم یافته حاضر با پژوهش والدسلو و دیاستنو (2006) که نشان داند هیجان مثبت تأثیری بر قضاوت‌های اخلاقی غیرشخصی ندارد، همخوان

می‌گردد (گرین و همکاران، 2001، 2004). بنابراین یافته حاضر تأییدکننده این دیدگاه است که قضاوت‌های اخلاقی غیرشخصی بیشتر با شناخت درگیر بوده و پیامد شرکت فرایندهای شناختی در قضاوت‌های اخلاقی غیرشخصی سودگرایی است.

در زمینه تفاوت جنسی در قضاوت اخلاقی پژوهش حاضر نشان داد که بین زنان و مردان در قضاوت اخلاقی شخصی و غیرشخصی تفاوت معناداری وجود دارد این با نتایج فیماجلی و همکاران (2010) که نتایج مشابهی در زمینه قضاوت اخلاقی غیرشخصی گزارش کردند همخوان است. این یافته‌ها بیانگر این است که فرایندهای شناختی - هیجانی که ارزیابی داستان‌های اخلاقی شخصی را شامل می‌شود در زنان و مردان متفاوت است، که احتمالاً منعکس‌کننده تفاوت‌هایی در مکانیسم‌های عصبی زیربنایی است. اما آن‌ها بیان داشتند که در قضاوت اخلاقی شخصی مردان سودگراتر عمل می‌کردند، اما در پژوهش حاضر دختران در قضاوت‌های اخلاقی شخصی و پسران در قضاوت‌های اخلاقی غیرشخصی سودگرایی بیشتری داشتند. در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که با توجه به اینکه پژوهش حاضر بر روی جمعیت نوجوان و بهنجار صورت گرفت در تعمیم نتایج مطالعه حاضر به سایر گروه‌های جمعیتی و بالینی باید جانب احتیاط را رعایت کرد از این رو پیشنهاد می‌گردد تا مطالعات مشابهی بر روی جمعیت‌های بالینی صورت پذیرد و نقش سایر متغیرهای احتمالی در ارتباط بین هیجان و قضاوت اخلاقی شامل تنظیم هیجان، هوش هیجانی نیز بررسی و مطالعه گردد.

است. این یافته با نظریه فرایند دوگانه (2001) کاملاً مطابقت دارد. به این صورت که هیجان‌ها تأثیری بر قضاوت‌های غیرشخصی نداشته و این‌ها توسط فرایندهای شناختی هدایت می‌شوند. در نتیجه سودگرایی را به دنبال دارند. منطق نظریه فرایند دوگانه پیشنهاد می‌کند افرادی که کنترل شناختی بالاتری دارند از تصمیم‌های غیرسودگرایانه اجتناب می‌کنند (مور و همکاران، 2011)، بر همین اساس در پژوهشی مور و همکاران (2008) بیان داشتند که کنترل شناختی بالاتر منجر به سودگرایی می‌شود هر چند که این تفاوت اندک بوده است به این دلیل که نقص در عوامل هیجانی مورد بررسی قرا نگرفته بود. از سویی این یافته‌ها همسو با نتایج پژوهش حاضر در مورد قضاوت‌های اخلاقی غیرشخصی است چنان که بر اساس نظریه فرایند دوگانه و پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه تأثیر هیجان بر قضاوت اخلاقی، انتظار می‌رفت که به دلیل ماهیت قضاوت‌های اخلاقی غیرشخصی تصمیم‌گیری افراد در این نوع قضاوت‌ها بیشتر تحت تأثیر ابعاد شناختی اخلاقی قرار گیرد، که همین نتیجه نیز مشاهده گردید، این یافته بدین گونه قابل تبیین است که با فعال شدن فرایند اول که شامل پاسخ‌های شناختی است و نتیجه ابعاد شناختی و نه شرایط هیجانی موجود در موقعیت است (یوسف و همکاران، 2012) فرایند دوم شامل سیستم هیجانی تا حدی از چرخه تمرکز سیستم عصبی خارج شده و در نتیجه تصمیم‌های سودگرایانه رخ می‌دهد این نتایج منطبق با نظریه فرایند دوگانه است که بیان می‌کند این دو فرایند به صورت رقیب عمل می‌کنند و فعالیت یکی منجر به کاهش فعالیت سیستم دیگر

مطالعه‌ای مقطعی بود و بنابراین ترسیم روابط علی در مورد ارتباط بین متغیرها امکان‌پذیر نیست و تطبیق الگوهای ارتباط نیازمند مطالعات بیشتری است تا اعتبار بیشتری برای یافته‌های پژوهش حاضر به دست آید.

در زمینه تفاوت‌های فردی، پژوهش حاضر ابعاد هویتی و شناختی اخلاقی را به عنوان متغیر بین فردی مورد بررسی قرار داد، به طور مشابه توصیه می‌گردد تا با بهره‌گیری از سایر ابزارهای سنجش شخصیت اعتبار نتایج پژوهش حاضر افزایش یابد. همچنین، مهم است که به خاطر داشته باشیم که مطالعه حاضر

### منابع

- پژوهش در سلامت روان‌شناختی، 7(4): 36-46.
- امیری، س؛ حسنی، ج. و عبداللهی، م. ح (1392). «تأثیر القای تجارب هیجانی در قضاوت اخلاقی شخصی و غیرشخصی با توجه به سیستم فعال‌ساز رفتاری (BAS) و سیستم بازداری رفتاری (BIS)». فصلنامه
- پژوهش در سلامت روان‌شناختی، 7(4): 36-46.
- امیری، س؛ حسنی، ج. و عبداللهی، م. ح (1394). «قضاوت اخلاقی شخصی و غیرشخصی بر اساس نظام فعال‌ساز رفتاری و بازداری رفتاری». مجله روانشناسی، 11(1): 22-36.
- Black, J. E. & Reynolds, W. M. (2016). "Development, reliability, and validity of the Moral Identity Questionnaire". *Personality and Individual Differences*, 97 (2016) 120-129.
- Clore, G. L. & Huntsinger, J. R. (2007). "How emotions inform judgment and regulate thought". *Trends in Cognitive Sciences*, 11(9), 393-399.
- Conway, P. & Gawronski, B. (2013). "Deontological and utilitarian inclinations in moral decision-making: A process dissociation approach". *Journal of Personality and Social Psychology*, 104, 216-235.
- Fumagalli, M.; Ferrucci, R.; Mameli, F.; Marceglia, S.; Mrakic-Spota, S.; Zago, S.; Lucchiari, C.; Consonni, D.; Nordio, F.; Pravettoni, G.; Cappa, S. & Priori, A. (2010). "Gender-related differences in moral judgments". *Cognitive Processing*, 11(3), 219-226.
- Glenn, A. L.; Koleva, S.; Iyer, R.; Graham, J. & Ditto, P. H. (2010). "Moral identity in psychopathy". *Judgment and Decision Making*, 5, 497-505.
- Greene, J. D.; Nystrom, L. E.; Engell, A. D.; Darley, J. M. & Cohen, J. D. (2004). "The neural bases of cognitive conflict and control in moral judgment". *Neuron*, 44(2), 389-400.
- Greene, J. & Haidt, J. (2002). "How (and where) does moral judgment work?" *Trends in Cognitive Sciences*, 6(12), 517-523.
- Koenigs, M.; Young, L.; Adolphs, R.; Tranel, D.; Cushman, F. & Hauser, M. (2007). "Damage to the prefrontal cortex increases utilitarian moral judgements". *Nature*, 446(7138), 908-911.

- Lane, J. D.; Wellman, H. M.; Olson, S. L.; LaBounty, J. & Kerr, D. C. (2010). "Theory of mind and emotion understanding predict moral development in early childhood". *British Journal of Developmental Psychology*, 28(Pt 4), 871-889.
- Mendez, M. F.; Anderson, E. & Shapira, J. S. (2005). "An investigation of moral judgement in frontotemporal dementia". *Cognitive and Behavioral Neurology*, 18(4), 193-197.
- Moore, A. B.; Clark, B. A. & Kane, M. J. (2008). "Who shalt not kill? Individual differences in working memory capacity, executive control, and moral judgment". *Psychological Science*, 19(6), 549-557.
- Moore, A. B.; Stevens, J. & Conway, A. R. A. (2011). "Individual differences in sensitivity to reward and punishment predict". *Personality and Individual Differences* 50(5), 621-625.
- Piazza, J. & Landy, J. F. (2013). "“Lean not on your own understanding”: Belief that morality is founded on divine authority and non-utilitarian moral judgments". *Judgment and Decision Making*, Vol. 8, No. 6, November 2013, pp. 639-661.
- Starcke, K.; Polzer, C.; Wolf, O. T. & Brand, M. (2010). "Does stress alter everyday moral decision-making?". *Psychoneuroendocrinology*, 36(2), 210-219.
- Valdesolo, P. & DeSteno, D. (2006). "Manipulations of emotional context shape moral judgment". *Psychological Science*, 17(6), 476-477.
- Wheatley, T. & Haidt, J. (2005). "Hypnotic disgust makes moral judgments more severe". *Psychological Science*, 16(10), 780-784.
- Yi, J. S. & Park, S. (2003). "Cross-cultural differences in decision-making styles: A study of college students in five countries". *Social Behavior and Personality: An international journal*, 31(1), 35-47.
- Youssef, F. F.; Dookeeram, K.; Basdeo, V.; Francis, E.; Doman, M.; Mamed, D.; Maloo, S.; Degannes, J.; Dobo, L.; Ditshotlo, P. & Legall, G. (2012). "Stress alters personal moral decision making". *Psychoneuroendocrinology*, 37(4), 491-498.